

به نام خدا

معلم به عنوان تسهیلگر پیشرفت: رویکردی نوین به آموزش ابتدایی

مؤلفان:

داریوش خادمی

فاطمه بامدی

الهه رستمی

صدف طوسی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : خادمی ، داریوش ، ۱۳۷۱
عنوان و نام پدیدآورندگان : معلم به عنوان تسهیلگر پیشرفت: رویکردی نوین به آموزش ابتدایی /
مولفان داریوش خادمی ، فاطمه بامدی ، الهه رستمی ، صدف طوسی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۰۹ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۳۱۲-۹
شناسه افزوده : بامدی ، فاطمه ، ۱۳۷۵
شناسه افزوده : رستمی ، الهه ، ۱۳۷۵
شناسه افزوده : طوسی ، صدف ، ۱۳۵۵
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : معلم - تسهیلگر پیشرفت - آموزش ابتدایی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : معلم به عنوان تسهیلگر پیشرفت: رویکردی نوین به آموزش ابتدایی
مولفان: داریوش خادمی - فاطمه بامدی - الهه رستمی - صدف طوسی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۹۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۳۱۲-۹
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

| | |
|--|-----------|
| مقدمه | ۵ |
| فصل اول: مفهوم معلم به عنوان تسهیل گر | ۹ |
| تحول نقش معلم از انتقال دهنده دانش به تسهیل گر یادگیری | ۱۲ |
| مبانی نظری و فلسفی رویکرد تسهیل گری در آموزش ابتدایی | ۱۳ |
| تفاوت های تسهیل گری با روش های سنتی تدریس | ۱۷ |
| اهمیت رشد همه جانبه دانش آموز در چارچوب تسهیل گری | ۱۹ |
| نقش معلم در ایجاد فضای یادگیری فعال و پویا | ۲۱ |
| ویژگی های شخصیتی و حرفه ای معلم تسهیل گر | ۲۲ |
| فصل دوم: راهبردهای تدریس در نقش تسهیل گر | ۲۷ |
| طراحی فعالیت های مشارکتی و گروهی برای یادگیری عمیق | ۲۹ |
| استفاده از پرسشگری به عنوان ابزار هدایت تفکر | ۳۳ |
| به کارگیری بازی ها و روش های خلاق در کلاس ابتدایی | ۳۴ |
| تلفیق فناوری های نوین برای تقویت یادگیری فردی و گروهی | ۴۰ |
| استفاده از بازخورد سازنده به جای ارزیابی سنتی | ۴۳ |
| مدیریت زمان و سازمان دهی فعالیت ها در کلاس تسهیل گر | ۴۵ |
| فصل سوم: معلم تسهیل گر و رشد مهارت های کلیدی | ۴۹ |
| پرورش مهارت های اجتماعی و ارتباطی در دانش آموزان | ۵۳ |
| تقویت مهارت های تفکر انتقادی و حل مسئله | ۵۵ |
| نقش معلم در پرورش خلاقیت و نوآوری | ۵۷ |
| حمایت از رشد هیجانی و خودتنظیمی در کلاس ابتدایی | ۶۱ |

| | |
|---|------------|
| آموزش مهارت‌های زندگی در بستر آموزش تسهیل‌گرانه | ۶۷ |
| ایجاد انگیزه درونی و علاقه پایدار به یادگیری | ۶۹ |
| فصل چهارم: همکاری‌های محیطی و اجتماعی | ۷۳ |
| نقش خانواده در حمایت از فرآیند یادگیری تسهیل‌گرانه | ۷۹ |
| همکاری معلم با همکاران و مدیر مدرسه در مسیر تحول آموزشی | ۸۱ |
| ایجاد ارتباط مؤثر با جامعه محلی برای غنی‌سازی یادگیری | ۸۲ |
| تقویت فرهنگ مدرسه‌ای مبتنی بر مشارکت و مسئولیت‌پذیری | ۸۳ |
| استفاده از منابع و فرصت‌های غیررسمی در یادگیری | ۸۵ |
| توسعه شبکه‌های حمایتی برای رشد حرفه‌ای معلمان | ۸۶ |
| فصل پنجم: چشم‌انداز آینده معلم تسهیل‌گر | ۸۹ |
| جایگاه معلم تسهیل‌گر در نظام‌های آموزشی نوین | ۹۰ |
| چالش‌های پیش‌روی معلمان در نقش تسهیل‌گر | ۹۲ |
| راهکارهای توانمندسازی حرفه‌ای معلمان ابتدایی | ۹۴ |
| نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های نو در تقویت تسهیل‌گری | ۹۷ |
| ترسیم آینده آموزش ابتدایی با محوریت معلم تسهیل‌گر | ۱۰۱ |
| نتیجه‌گیری | ۱۰۴ |
| منابع | ۱۰۷ |

مقدمه

معلم در گذشته بیشتر به عنوان منبعی برای انتقال مستقیم دانش و اطلاعات به دانش‌آموزان شناخته می‌شد و نقش او اغلب در قالب سخنرانی و توضیح مطالب درسی خلاصه می‌شد. اما با تحول‌های گسترده در نظام‌های آموزشی و تغییر نیازهای جامعه، این نقش سنتی دیگر پاسخگوی شرایط نوین نیست. آموزش ابتدایی به عنوان مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره یادگیری، نیازمند معلمانی است که تنها به انتقال محتوا اکتفا نکنند، بلکه بتوانند زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان شوند. در این میان، مفهوم معلم به‌عنوان تسهیل‌گر پیشرفت مطرح می‌شود؛ مفهومی که معلم را از جایگاه صرفاً انتقال‌دهنده دانش خارج کرده و او را به راهنما، هدایت‌گر و توانمندساز یادگیری تبدیل می‌سازد.

تسهیل‌گری در آموزش ابتدایی یعنی فراهم آوردن فضایی که دانش‌آموزان خود فعالانه در فرایند یادگیری مشارکت کنند، پرسش بپرسند، تجربه کنند، اشتباه کنند و از طریق تعامل، همکاری و جست‌وجو به درک عمیق‌تری از مفاهیم برسند. در چنین رویکردی، معلم نه در مقام کنترل‌کننده بلکه در نقش پشتیبان و الهام‌بخش ظاهر می‌شود. او می‌کوشد تا محیط یادگیری را غنی سازد و ابزارها، منابع و روش‌هایی را به کار گیرد که به دانش‌آموزان امکان دهد استعدادهای نهفته خود را کشف کنند. به بیان دیگر، معلم تسهیل‌گر مسیر یادگیری را روشن می‌کند، اما گام‌برداشتن در این مسیر را به خود دانش‌آموزان واگذار می‌نماید.

این نگرش نوین ریشه در تحولات روان‌شناسی یادگیری، فلسفه تعلیم و تربیت و نیازهای جامعه دانشی دارد. امروزه دیگر نمی‌توان انتظار داشت که کودکان صرفاً با حفظ کردن مطالب کتاب‌های درسی، برای زندگی پیچیده و پرچالش آینده آماده شوند. آنچه اهمیت دارد، پرورش مهارت‌هایی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری، خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری است. معلم در مقام تسهیل‌گر تلاش می‌کند تا به جای تحمیل دانسته‌های

خود، شرایطی را فراهم آورد که دانش‌آموزان این مهارت‌ها را در جریان یادگیری تجربه کنند و به تدریج آن‌ها را درونی سازند.

یکی از ویژگی‌های کلیدی این رویکرد، تغییر نگاه به دانش‌آموز است. در آموزش سنتی، دانش‌آموز گیرنده منفعل دانش در نظر گرفته می‌شود؛ اما در رویکرد تسهیل‌گری، او به عنوان یادگیرنده فعال و سازنده دانش تلقی می‌گردد. این تغییر نگرش، مسئولیت بیشتری را بر عهده معلم می‌گذارد، زیرا لازم است او ابزارها و راهبردهایی متناسب با نیازهای فردی و جمعی دانش‌آموزان طراحی کند. به همین دلیل، معلم تسهیل‌گر باید مهارت‌های متنوعی در مدیریت کلاس، طراحی فعالیت‌های مشارکتی، استفاده از فناوری‌های نوین و ایجاد ارتباط سازنده با خانواده‌ها و جامعه داشته باشد.

در چنین محیطی، یادگیری تنها به حفظ مطالب محدود نمی‌شود، بلکه به فرایندی پویا و چندوجهی تبدیل می‌گردد. کودک در جریان فعالیت‌های کلاسی می‌آموزد چگونه فکر کند، چگونه با دیگران تعامل داشته باشد و چگونه دانش جدید را با تجربیات پیشین خود پیوند دهد. این نوع یادگیری عمیق، ماندگارتر و کاربردی‌تر است و زمینه را برای موفقیت‌های بعدی دانش‌آموز در زندگی تحصیلی و شخصی فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر تنها در کلاس درس محدود نمی‌شود، بلکه به حوزه‌های گسترده‌تری همچون ارتباط با خانواده‌ها، همکاری با سایر معلمان و تعامل با محیط اجتماعی نیز کشیده می‌شود. او باید بتواند میان مدرسه و خانه پلی ارتباطی برقرار کند تا خانواده نیز در فرایند یادگیری فرزند خود نقش مؤثری ایفا نماید. همچنین، معلم تسهیل‌گر در تعامل با جامعه، فرصت‌هایی را شناسایی می‌کند که می‌تواند تجربه‌های یادگیری را غنی‌تر و متنوع‌تر سازد.

در دنیای امروز که فناوری‌های دیجیتال به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی کودکان تبدیل شده‌اند، معلم تسهیل‌گر از این ابزارها نه به‌عنوان جایگزین، بلکه به‌عنوان مکمل یادگیری استفاده می‌کند. او می‌داند چگونه محیط‌های دیجیتال را به گونه‌ای مدیریت کند که یادگیری فعال، خلاق و ایمن شکل بگیرد. استفاده هوشمندانه از فناوری می‌تواند زمینه‌ای برای آموزش شخصی‌سازی شده و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان فراهم آورد. این

امر به ویژه در آموزش ابتدایی اهمیت دارد، چرا که کودکان در این دوره نیازهای یادگیری متنوعی دارند و یک روش واحد پاسخگوی همه آنها نیست.

چالش‌های متعددی در مسیر اجرای رویکرد تسهیل‌گری وجود دارد. مقاومت برخی از معلمان در برابر تغییر، کمبود منابع آموزشی مناسب، فشار برنامه‌های درسی رسمی و ارزیابی‌های سنتی می‌تواند موانعی جدی محسوب شود. با این حال، تجربه‌های موفق جهانی نشان داده است که با برنامه‌ریزی درست، آموزش معلمان، حمایت مدیران و سیاست‌گذاران و مشارکت خانواده‌ها، می‌توان بر این چالش‌ها غلبه کرد و نظام آموزشی را به سمت یادگیری عمیق و پایدار سوق داد.

بنابراین، مقدمه ورود به بحث معلم به‌عنوان تسهیل‌گر، تأکید بر ضرورت تغییر در نگرش و روش‌های آموزش ابتدایی است. معلم باید بیاموزد که کلاس درس مکانی برای تعامل، گفتگو، تجربه و رشد است، نه صرفاً محلی برای تکرار و حفظ مطالب. او باید نقش خویش را به‌عنوان الهام‌بخش و راهنمای مسیر یادگیری بپذیرد و تلاش کند تا کودکان نه تنها مهارت‌های علمی بلکه توانایی‌های اجتماعی، هیجانی و اخلاقی خود را نیز توسعه دهند.

چنین تغییری تنها با تعهد و باور عمیق معلمان به رسالت آموزشی‌شان امکان‌پذیر است. آنها باید خود را نه صرفاً کارگزار نظام آموزشی، بلکه شریک رشد و پیشرفت نسل آینده بدانند. این رویکرد، شأن و منزلت معلم را ارتقا می‌دهد و او را به قلب تپنده تحول در آموزش ابتدایی تبدیل می‌کند.

در پایان، باید یادآور شد که معلم به‌عنوان تسهیل‌گر پیشرفت، پلی میان دنیای کودک و دنیای آینده است. او با ایجاد محیطی پویا، انسانی و یادگیرنده، زمینه‌ساز پرورش شهروندانی آگاه، خلاق، مسئول و توانمند می‌شود. این رسالتی است که بیش از هر زمان دیگری، آموزش ابتدایی به آن نیاز دارد و تحقق آن بدون بازتعریف نقش معلم امکان‌پذیر نخواهد بود.

فصل اول:

مفهوم معلم به عنوان تسهیل‌گر

معلم به عنوان تسهیل‌گر پیشرفت، جایگاهی متفاوت از نقش سنتی او در گذشته دارد و این تغییر نقش بر پایه نیازهای امروزی آموزش ابتدایی شکل گرفته است. در گذشته معلم را بیشتر به عنوان انتقال‌دهنده مستقیم اطلاعات می‌شناختند، اما امروز نگاه جدیدی مطرح است که بر اساس آن معلم باید شرایطی را فراهم کند که یادگیری توسط خود دانش‌آموز صورت گیرد. این نگاه به دانش‌آموز به مثابه موجودی فعال، خلاق و مشارکت‌جو، بنیان اصلی مفهوم تسهیل‌گری است. معلم در این رویکرد نه تنها مطالب را ارائه نمی‌دهد، بلکه بستر، ابزار و فرصت‌هایی را فراهم می‌آورد تا دانش‌آموز مسیر یادگیری را تجربه کند. تسهیل‌گری در آموزش یعنی ایجاد فضایی برای رشد همه‌جانبه. وقتی دانش‌آموز درگیر تجربه می‌شود، مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله و خودتنظیمی را می‌آموزد. این مهارت‌ها در روش‌های سنتی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. معلم تسهیل‌گر در کلاس به جای سخنرانی طولانی، فعالیت‌هایی را طراحی می‌کند که کودکان بتوانند با یکدیگر گفتگو کنند، پرسش بپرسند، ایده بدهند و از اشتباهات خود درس بگیرند. این تغییر نگرش موجب می‌شود یادگیری عمق بیشتری پیدا کند و دانش‌آموزان نه تنها اطلاعات را حفظ کنند، بلکه آن را به زندگی واقعی پیوند بزنند.

نقش معلم در این مسیر، ایجاد انگیزه و الهام‌بخشی است. او باید بتواند با شناخت دقیق ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، فعالیت‌هایی متناسب با سطح درک و علاقه آنان طراحی کند. توجه به تفاوت‌های فردی و فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری متنوع، از اصول کلیدی تسهیل‌گری است. معلم تسهیل‌گر می‌داند که همه دانش‌آموزان به یک شکل یاد نمی‌گیرند و به همین دلیل، راهبردهای متفاوتی را به کار می‌گیرد تا هر کودک بتواند مسیر خاص خود را در یادگیری بیابد. مرادی، ک. (۱۴۰۰).

در این چارچوب، ارتباط میان معلم و دانش‌آموز نیز دگرگون می‌شود. به جای رابطه عمودی و یک‌سویه، نوعی رابطه دوسویه، انسانی و مبتنی بر احترام متقابل شکل می‌گیرد. دانش‌آموز احساس می‌کند که صدای او شنیده می‌شود و ایده‌هایش ارزشمند است. این احساس تعلق و احترام، اعتماد به نفس کودک را افزایش می‌دهد و زمینه‌ای برای رشد اجتماعی و هیجانی او فراهم می‌سازد.

تسهیل‌گری همچنین بر اهمیت یادگیری گروهی تأکید دارد. در فعالیت‌های گروهی، دانش‌آموزان نه تنها از دانش یکدیگر بهره می‌برند، بلکه مهارت‌های همکاری، مسئولیت‌پذیری و همدلی را نیز تجربه می‌کنند. معلم به‌عنوان ناظر و راهنما در این فعالیت‌ها حضور دارد تا مسیر گفتگوها را هدایت کند و از تبدیل شدن فعالیت‌ها به رقابت ناسالم جلوگیری نماید. در این میان، او فرصت‌های طلایی برای آموزش ارزش‌های انسانی و اجتماعی را به دست می‌آورد. احمدی، م. (۱۳۹۸).

یکی از ابعاد مهم نقش تسهیل‌گرانه معلم، توجه به یادگیری فراتر از کتاب درسی است. دانش‌آموز باید یاد بگیرد چگونه پرسشگری کند، منابع مختلف را جست‌وجو کند و از تجربه‌های واقعی زندگی برای درک مفاهیم بهره گیرد. معلم با طرح پرسش‌های باز، دانش‌آموز را به تفکر وادار می‌کند و به او کمک می‌کند ارتباط میان آموخته‌های کلاس و مسائل واقعی زندگی را بیابد. این رویکرد باعث می‌شود یادگیری معنا پیدا کند و ماندگارتر شود.

فناوری‌های نوین نیز ابزار مهمی در دست معلم تسهیل‌گر هستند. او می‌تواند از ابزارهای دیجیتال برای شخصی‌سازی یادگیری استفاده کند و محیطی فراهم آورد که هر دانش‌آموز متناسب با توانایی خود پیش برود. اما نکته اساسی این است که فناوری در این رویکرد جایگزین معلم نمی‌شود، بلکه ابزاری است برای توانمندسازی او و ایجاد فرصت‌های متنوع‌تر برای دانش‌آموزان. مدیریت درست این ابزارها مستلزم آگاهی، خلاقیت و حساسیت معلم است.

ارتباط میان مدرسه و خانواده نیز در این مدل اهمیت ویژه‌ای دارد. معلم تسهیل‌گر می‌داند که یادگیری تنها در کلاس شکل نمی‌گیرد و نیازمند همکاری خانواده است. او تلاش می‌کند والدین را در فرایند یادگیری شریک کند و به آن‌ها نشان دهد چگونه می‌توانند در خانه محیطی حمایتی برای فرزند خود فراهم آورند. این مشارکت خانواده، اثربخشی یادگیری را چند برابر می‌کند و باعث می‌شود کودک پیوستگی میان خانه و مدرسه را احساس کند.

معلم تسهیل‌گر همچنین باید نگاه بلندمدت داشته باشد. او می‌داند که هدف آموزش ابتدایی تنها کسب نمره نیست، بلکه آماده‌سازی کودکان برای زندگی آینده است. بنابراین، به پرورش مهارت‌های زندگی، توانایی مدیریت احساسات، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی اهمیت می‌دهد. این‌ها مهارت‌هایی هستند که کودکان را در مواجهه با چالش‌های آینده توانمند می‌سازند.

چالش‌های این رویکرد نیز قابل چشم‌پوشی نیست. فشار برنامه‌های درسی سنتی، کمبود زمان، نبود منابع کافی و مقاومت برخی معلمان و والدین در برابر تغییر، موانعی جدی هستند. اما تجربه نشان داده است که با آموزش معلمان، حمایت مدیران و اصلاح نظام ارزیابی می‌توان این موانع را کاهش داد. ایجاد فرهنگ مدرسه‌ای مبتنی بر یادگیری مشارکتی و حمایت‌گر، یکی از راهکارهای اصلی در این مسیر است. یوسفی، م. (۱۳۹۷).

معلم به‌عنوان تسهیل‌گر پیشرفت نه تنها نقش حرفه‌ای، بلکه رسالتی انسانی دارد. او پلی میان دنیای کودک و جامعه آینده است. با ایجاد محیطی که در آن احترام، همکاری، خلاقیت و یادگیری فعال جریان دارد، معلم زمینه‌ساز پرورش شهروندانی مسئول، خلاق و آگاه می‌شود. این مأموریت خطیر، نشان می‌دهد که نقش معلم امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد و موفقیت نظام آموزشی به میزان توانمندی او در ایفای نقش تسهیل‌گر بستگی دارد.

تحول نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌گر یادگیری

تحول نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌گر یادگیری یکی از بنیادی‌ترین تغییراتی است که در چند دهه اخیر در نظام‌های آموزشی رخ داده است. در الگوی سنتی، معلم محور اصلی کلاس بود و دانش‌آموزان در جایگاه گیرنده منفعل دانش قرار داشتند. وظیفه اصلی معلم ارائه اطلاعات، توضیح مفاهیم و کنترل نظم کلاس بود و یادگیری بیشتر به معنای حفظ کردن مطالب درسی و بازتولید آن‌ها در آزمون‌ها تلقی می‌شد. این نگاه، هرچند در گذشته کارکردهایی داشت، اما به تدریج با نیازهای جامعه امروز ناسازگار شد. جامعه‌ای که پیچیدگی روزافزون، سرعت تغییر و نیاز به مهارت‌های متنوع، روش‌های سنتی را ناکافی ساخت.

با ظهور نظریه‌های جدید یادگیری، به ویژه رویکردهای سازنده‌گرایی، دیدگاه نسبت به آموزش دگرگون شد. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که یادگیری زمانی پایدار و معنادار است که یادگیرنده خود فعالانه در فرایند ساخت دانش مشارکت داشته باشد. بنابراین، نقش معلم از فردی که حقیقت آماده را منتقل می‌کند، به فردی تغییر یافت که شرایط لازم را برای کشف، پرسشگری، تجربه و تعامل فراهم می‌آورد. در این رویکرد، دانش‌آموز دیگر شنونده‌ای خاموش نیست، بلکه بازیگری فعال است که با کنجکاوی و تعامل با محیط، مسیر یادگیری را می‌سازد.

این تحول موجب شد که معلم بیش از آنکه بر «چه چیزی» تدریس می‌کند تمرکز داشته باشد، بر «چگونه» یادگیری شکل می‌گیرد توجه کند. او به جای تکیه صرف بر محتوا، به طراحی تجربه‌های یادگیری می‌پردازد. به بیان دیگر، معلم تسهیل‌گر بستری را فراهم می‌کند که در آن دانش‌آموزان بتوانند با یکدیگر همکاری کنند، از فناوری بهره بگیرند، مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت را تمرین کنند و ارتباط میان آموخته‌ها و زندگی واقعی خود را بیابند.

در این تغییر نقش، جایگاه اقتدارگرایانه معلم نیز تعدیل می‌شود. رابطه عمودی و یک‌سویه معلم و دانش‌آموز جای خود را به رابطه‌ای دوسویه و انسانی می‌دهد. معلم شنونده‌ای فعال می‌شود، به ایده‌های دانش‌آموزان توجه می‌کند و مسیر یادگیری را بر اساس علائق، نیازها و توانایی‌های آنان تنظیم می‌نماید. این تغییر نه تنها کیفیت یادگیری را ارتقا می‌دهد، بلکه اعتماد به نفس و انگیزه درونی دانش‌آموزان را نیز تقویت می‌کند.

تحول نقش معلم همچنین با تغییر رویکرد در ارزشیابی همراه است. در مدل سنتی، آزمون‌ها و نمرات ابزار اصلی سنجش یادگیری بودند؛ اما در الگوی تسهیل‌گری، ارزیابی بیشتر بر بازخورد مستمر، مشاهده عملکرد، پروژه‌های عملی و رشد فردی متمرکز می‌شود. معلم به جای داوری یک‌طرفه، به همراه دانش‌آموز فرایند یادگیری را تحلیل می‌کند و او را برای پیشرفت گام‌به‌گام یاری می‌دهد.

به طور کلی، این تحول نشان می‌دهد که نقش معلم در دنیای امروز بیش از انتقال دانش، ایجاد انگیزه، هدایت تجربه‌ها و توانمندسازی یادگیرندگان است. معلم تسهیل‌گر نه تنها آموزش را پویا و معنادار می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز پرورش نسلی می‌شود که توانایی یادگیری مادام‌العمر، تفکر خلاق و حل مسئله در دنیای پیچیده آینده را دارد. حسینی، م.، و رضایی، ف. (۱۳۹۹).

مبانی نظری و فلسفی رویکرد تسهیل‌گری در آموزش ابتدایی

مبانی نظری و فلسفی رویکرد تسهیل‌گری در آموزش ابتدایی ریشه در تحولاتی دارد که در اندیشه‌های تربیتی و روان‌شناسی یادگیری طی قرن بیستم و بیست‌ویکم رخ داده است. در گذشته آموزش بیشتر بر اساس الگوهای رفتارگرایی شکل می‌گرفت، جایی که یادگیری به معنای تغییر رفتار قابل مشاهده در نظر گرفته می‌شد و نقش معلم نیز تقویت‌کننده یا تنبیه‌کننده رفتارها بود. اما با ظهور نظریه‌های شناختی و سازنده‌گرایانه، نگاه به یادگیری و آموزش تغییر یافت. در این نظریه‌ها، یادگیرنده نه موجودی منفعل، بلکه سازنده فعال دانش معرفی شد و یادگیری فرایندی درونی، پیچیده و اجتماعی تلقی گردید. از منظر فلسفی، رویکرد تسهیل‌گری ریشه در دیدگاه‌های انسان‌گرایی دارد که بر کرامت، آزادی و

توانمندی بالقوه انسان تأکید می‌کند. متفکرانی همچون کارل راجرز، پائولو فریره و جان دیویی معتقد بودند که آموزش باید فرصتی برای رشد همه‌جانبه، خودشناسی و توانمندسازی فرد برای مشارکت فعال در جامعه باشد. در این چارچوب، معلم به‌عنوان تسهیل‌گر وظیفه دارد محیطی حمایتی، باز و مشارکتی ایجاد کند تا دانش‌آموزان بتوانند خودشان یادگیری را تجربه و هدایت کنند.

از دیدگاه سازنده‌گرایی، یادگیری نتیجه تعامل فعال فرد با محیط است. پیازه بر فرایند ساختن دانش از طریق تجربه‌های فردی و خطا تأکید داشت، در حالی که ویگوتسکی نقش تعامل اجتماعی و «منطقه مجاور رشد» را در یادگیری مطرح کرد. این نظریات نشان می‌دهند که یادگیری زمانی عمیق‌تر و معنادارتر است که دانش‌آموزان در فعالیت‌های مشارکتی، گفت‌وگو و حل مسئله درگیر شوند. بنابراین، معلم به‌جای ارائه مستقیم دانش، زمینه‌ساز این تجربه‌ها می‌شود.

رویکرد تسهیل‌گری همچنین بر فلسفه پراگماتیسم دیویی استوار است. او بر این باور بود که آموزش باید مبتنی بر تجربه و حل مسائل واقعی زندگی باشد. در این نگاه، مدرسه محیطی آزمایشی برای زندگی اجتماعی است و معلم نقش هدایتگر فرآیندهای یادگیری و تعامل را ایفا می‌کند. آموزش نه برای آماده‌سازی جهت آزمون‌ها، بلکه برای آماده‌سازی جهت زندگی واقعی و مشارکت در جامعه طراحی می‌شود.

از منظر انسان‌گرایی راجرز، تسهیل‌گری زمانی رخ می‌دهد که معلم فضای امنی ایجاد کند که در آن پذیرش بدون قید و شرط، همدلی و اصالت وجود داشته باشد. چنین فضایی موجب می‌شود دانش‌آموز احساس ارزشمندی کند و با انگیزه درونی به یادگیری بپردازد. به بیان دیگر، فلسفه انسان‌گرایی یادگیری را فرآیندی شخصی و درونی می‌بیند و نقش معلم را در ایجاد شرایط مساعد برای شکوفایی فردی پررنگ می‌سازد. نظری، س. (۱۳۹۹).

این مبانی نظری و فلسفی در آموزش ابتدایی اهمیت دوچندان دارد، زیرا کودکان در این دوره در حال شکل‌گیری نگرش‌ها، عادات یادگیری و هویت شخصی خود هستند. اگر

آموزش بر اساس تسهیل‌گری طراحی شود، کودکان از همان ابتدا می‌آموزند که یادگیری مسئولیتی شخصی و لذت‌بخش است. آن‌ها به جای ترس از اشتباه، به کشف و تجربه علاقه‌مند می‌شوند و این نگرش در طول زندگی همراهشان باقی می‌ماند.

بنابراین، رویکرد تسهیل‌گری در آموزش ابتدایی ترکیبی از نظریه‌های شناختی، سازنده‌گرایی، انسان‌گرایی و فلسفه تجربه‌گرایانه است. این رویکرد نه تنها به رشد علمی، بلکه به پرورش اجتماعی، هیجانی و اخلاقی دانش‌آموزان کمک می‌کند. معلم در این چارچوب، معمار شرایط یادگیری و تسهیل‌کننده فرآیندهای فردی و گروهی است و مأموریت اصلی او پرورش انسان‌های خودآگاه، خلاق و توانمند برای زندگی در جامعه‌ای پویا و پیچیده است.

مبانی نظری و فلسفی رویکرد تسهیل‌گری در آموزش ابتدایی زمانی بهتر درک می‌شود که به سیر تحول اندیشه‌های تربیتی توجه کنیم. آموزش در گذشته بیشتر به شکل خطی و انتقالی تصور می‌شد؛ یعنی معلم می‌دانست و دانش‌آموز نمی‌دانست، پس معلم موظف بود دانسته‌های خود را به ذهن شاگرد انتقال دهد. اما این نگاه با رشد روان‌شناسی یادگیری و تغییرات اجتماعی به چالش کشیده شد. تجربه‌های جهانی نشان دادند که چنین الگویی قادر نیست نسلی را تربیت کند که در برابر پیچیدگی‌های دنیای مدرن تاب‌آور و خلاق باشد. بنابراین، نیاز به رویکردی تازه پدید آمد که در آن دانش‌آموز فعالانه نقش‌آفرینی کند و معلم نیز بیشتر به عنوان همراه و تسهیل‌گر شناخته شود.

از دیدگاه سازنده‌گرایی، دانش چیزی نیست که آماده و ثابت از بیرون به ذهن کودک تزریق شود. بلکه دانش محصول تعامل، تجربه، پرسش و بازاندیشی است. پیاژه نشان داد که کودکان در مراحل مختلف رشد شناختی، توانایی‌های متفاوتی برای درک مفاهیم دارند و باید فرصت‌هایی برای تجربه کردن و ساختن دانش در اختیارشان قرار گیرد. این نگاه بیانگر آن است که معلم نمی‌تواند تنها با سخن گفتن یا نوشتن بر تخته، یادگیری را تضمین کند، بلکه باید شرایطی را فراهم آورد که کودک بتواند خود در مسیر یادگیری گام بردارد و ساخت ذهنی خویش را شکل دهد.